

آشنایی با حقوق جزا

تألیف

سید حسن موسوی نذروند

تابستان ۱۳۹۵

- سرشناسه : موسوی ندروند، سید حسن ۱۳۴۵
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با حقوق جزا، سید حسن موسوی ندروند
 مشخصات نشر : البرز، کرج، انتشارات ملرد ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۱۵۷ ص : ۱۴*۲۱ س م
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۹-۹۸-۷
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۵۵
 موضوع : حقوق جزا -- ایران
 موضوع : Criminal law – Iran
 رده بندی کنگره : ۳۸۰/م۸۲۸/۱۳۹ : KMH
 رده بندی دیویی : ۳۴۳.۱۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۵۲۶۴۶

آشنایی با حقوق جزا

تألیف: سید حسن موسوی ندروند

حروفچین: زهره حمزه لویی

صفحه آرا و طراح جلد: حسن منشی پور

ویراستار ادبی: ابوالقاسم غلامی مایانی

نوبت چاپ: اول ۱۰۰۰ جلد، سال ۱۳۹۵

ناشر: انتشارات ملرد

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۹-۹۸-۷

آدرس انتشارات: البرز، کرج، ۰۹۱۲۵۶۴۸۸۰۲

nashr. melerd@gmail.com



پیشگفتار

همزمان با به وجود آمدن جامعه‌ی بشری، تعارض حقوق و آزادی‌ها از رویی، و حل تعارض آنها از سوی دیگر پدیدار شد. علم حقوق به عنوان یکی از جاذبه‌ها، بر معانی در جهت حل عادلانه تعارض حقوق و آزادی‌ها تاسیس شد. در ایر میان حقوق جزا به عنوان یکی از شعب علم حقوق مطرح، و در این خصوص به این نقی پرداخت. حقوق جزا همیشه با سه سؤال اساسی روبه‌رو بوده، که عبارتند از:

- ۱- جرم چیست و چگونه حقوق می‌شود؟
- ۲- مسئولیت کیفری چیست و چه کسی باید پاسخگوی اعمال مجرمانه ارتكابی از جهت جزایی باشد؟
- ۳- واکنش اجتماعی در برابر جرم مسئول چیست و شیوه‌ی تعیین آن چگونه است؟

در این نوشتار، با بهره‌گیری از منابع سیل سلار، قواعد فقهی، دکترین علمای علم حقوق و با الهام و تحلیل مطالب، همچنین استفاده از منابع اصلی و فرعی حقوق تلاش شده است؛ تا به اختصار تصویری از فقه جزا ترسیم شود؛ به ویژه حقوق جزایی برای فراگیران که در مسیر علم حقوق گاه نهاده و به تحقیق، پژوهش، تدریس و تحصیل مشغول‌اند.

در بخش هشتم اصطلاحات غامض حقوقی (ق.م.ا) مصوب سال ۱۳۹۲ در بخش نهم اصطلاحات کاربردی علم حقوق و در بخش پایانی شماره موادی که نسبت به مواد دیگر کاربرد بیشتری دارند تعریف شده است. امیدوارم کتاب حاضر مورد استفاده اصحاب خرد و اندیشه، به خصوص در حوزه علم حقوق، قرار گیرد. و اینجانب را با ارشادات خود شاد و از انتقادات و پیشنهادهای سازنده محروم نفرمایید.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۸	تاریخچه‌ی مختصری از حقوق جزا در ایران
۲۱	بخش اول
۲۱	گفتار اول: کلیات
۲۲	گفتار دوم: مفهوم حق و حقوق
۲۴	گفتار سوم: مفهوم جرم و حقوق جزا
۲۷	بخش دوم
۲۷	شعب حقوقی - حقوق جزا
۲۷	گفتار اول: حقوق جزای عمومی
۲۷	الف- تعریف
۲۸	ب- قوانین جزای عمومی
۲۹	پ- انواع جرایم و مجازات‌ها:
۲۹	۱- حد
۳۰	۲- قصاص
۳۲	۳- دیه
۳۳	۴- تعزیر
۳۷	ت- مسؤولیت جزایی
۳۸	ث- جهات تخفیف و تشدید مجازات

- گفتار دوم: حقوق جزای اختصاصی..... ۳۹
- الف- حقوق کیفری اختصاصی:..... ۳۹
- ب- مزیت آشنایی با حقوق کیفری اختصاصی:..... ۴۰
- پ- رابطه‌ی متقابل حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی:..... ۴۰
- ت- تقسیم جرایم از نظر حقوق جزای اختصاصی:..... ۴۱
- گفتار سوم: آیین دادرسی کیفری..... ۴۲
- الف- مرئف: آیین دادرسی کیفری:..... ۴۲
- ب- نقش آیین دادرسی کیفری:..... ۴۲
- بخش سوم..... ۴۷
- ویژگی‌های حقه جزا:..... ۴۷
- گفتار اول: وجود صفت ایرادهای خاص در قواعد حقوق جزا:..... ۴۷
- گفتار دوم: الزامی بودن قواعد حقوق جزا:..... ۴۸
- گفتار سوم: کلی و عام بودن ترائین کیفری:..... ۴۹
- گفتار چهارم: سرزمینی و شخصی بودن قواعد حقوق جزا:..... ۵۰
- بخش چهارم..... ۵۳
- منابع حقوق جزا:..... ۵۳
- گفتار اول: کتاب (قرآن):..... ۵۳
- گفتار دوم: سنت..... ۵۸
- الف: معنا و مفهوم سنت:..... ۵۸
- ب: انواع سنت:..... ۵۸
- ۱- سنت قولی (گفتار):..... ۵۸
- ۲- سنت فعلی (کردار):..... ۵۸
- ۳- سنت تقریری:..... ۵۸
- پ: موقعیت سنت در ارتباط با قرآن:..... ۶۱
- گفتار سوم: اجماع..... ۶۲

۶۲	گفتار چهارم: عقل.....
۶۷	بخش پنجم: منابع معمولی حقوق جزا.....
۶۷	گفتار اول: قانون اساسی
۶۸	گفتار دوم: قوانین جزایی عادی.....
۶۸	گفتار سوم: مصوبات قوهی مقننه.....
۶۹	گفتار چهارم: مصوبات قوهی مجریه.....
۶۹	گفتار پنجم: آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور.....
۷۰	گفتار ششم: رویه قضایی.....
۷۰	گفتار هفتم: قاید فوق‌دانان یا دکترین.....
۷۱	گفتار هشتم: عرف.....
۷۳	الف- قلمرو کنونی عرف.....
۷۳	ب- موارد رجوع صریح به عرف.....
۷۴	پ- موارد رجوع ضمنی به عرف.....
۷۵	ت- مواردی که عرف قواعد موجود را تکمیل می‌کند یا قاعده جدید می‌سازد:.....
۷۷	بخش ششم: اهداف حقوق جزا.....
۷۷	گفتار اول: حفظ نظم عمومی و قوانین کیفری
۷۸	گفتار دوم: ضرورت پیش‌بینی اعمال مجرمانه به وسیلهی قانون.....
۷۸	گفتار سوم: حقوق انحصاری دولت در اعمال واکنش‌های قانونی
۷۹	گفتار چهارم: هدف سودمندی.....
۷۹	گفتار پنجم: هدف اخلاقی.....
۸۰	گفتار ششم: قوانین کیفری و اعتلای فرهنگ و سطح زندگی.....
۸۱	گفتار هفتم: قوانین جزایی پیش‌گیری.....

گفتار هشتم: ضرورت شناسایی مجرمین برای تعیین عکس العمل	
مناسب جزایی.....	۸۱
گفتار نهم: اصلاح مجرمین.....	۸۱
بخش هفتم	۸۳
ارتباط حقوق جزا با سایر رشته‌های حقوقی.....	۸۳
مستعارین: رابطه‌ی حقوق جزا با حقوق اساسی.....	۸۳
گفتار دوم- رابطه‌ی بین حقوق جزا و حقوق اداری.....	۸۴
گفتار سوم- رابطه‌ی حقوق جزا و حقوق بین‌الملل.....	۸۴
گفتار چهارم- رابطه‌ی حقوق جزا با حقوق خصوصی.....	۸۵
بخش هشتم	۸۷
احساء و تعریف اصطلاحات نامان حقوقی قانون مجازات اسلامی	
مصوب ۱۳۹۲.....	۸۷
بخش نهم:	۱۱۵
احساء و تعریف اصطلاحات حقوقی کاربردی.....	۱۱۵
بخش دهم:	۱۴۹
احسای مواد کاربردی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....	۱۴۹
حسن ختام	۱۵۳
منابع و ماخذ	۱۵۵

مقدمه

دای همه‌ی کسانی که در اجتماع زندگی می‌کنند، آشنایی با حقوق لازم است و این علم آن‌ها را از زیان‌های احتمالی بسیاری که در جریان روابط دیگران ممکن است دچار گردند، آگاه می‌نماید. برای کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند و مسؤولیت‌های مهم‌تری را در جامعه به عهده می‌گیرند، فراگیری دانش حقوق ضرورت بیشتری پیدا می‌کند، از کلیات حقوق می‌توانند بخش‌های لازم حقوقی را در ارتباط با شغل خود پیدا کنند و به تقویت علمی خود بر آن زمینه بپردازند تا وظایف خود را با قوانین نزدیک سازند. برای آنکه علوم اجتماعی از جمله اقتصاد و علوم سیاسی وارد می‌شوند و در این قسمت‌ها تخصص پیدا می‌کنند قواعد حقوقی ابزاری فوق‌العاده ثمربخش است و غالباً تعدادی از واحدهای چنین رشته‌هایی را، مباحث حقوقی متناسب تشکیل می‌دهد.

زندگی امروزه در اجتماع وضع سابق را ندارد. روابط اجتماعی هم از لحاظ کمی و هم در جهت کیفی تحول بسیاری نموده است. پیشرفت‌های شگرفی که نصیب عالم بشریت گردیده باعث افزایش نیازمندی‌ها شده است.

به طوری که معیارهای زندگی ساده و بی‌آلایش گذشته دیگر قابل پذیرش نیست، جوامع صنعتی امروز بر مبنای تخصص و علم پایه‌گذاری شده، متخصصین سر رشته‌ی امور را به دست گرفته، ماشین‌های الکترونیک و کامپیوتر محاسبات را از قلمرو افراد خارج نموده است. این

احوال در علم حقوق اثر عمیق گذاشته به طوری که بسیاری از قواعد حقوق ضرورت وجودی خود را از دست داده و لزوم ارائه‌ی قواعد جدید محسوس گردیده است؛ زیرا حقوق باید جوابگوی نیازهای روز جامعه باشد. قواعد ساده حقوقی قرون گذشته نمی‌تواند مسائل پیچیده‌ای مانند روابط از رگانی بین‌المللی امروز را کفایت نماید. روابط کارگر و کارفرما دیگر تابع حقوق خصوصی گذشته نیست و اصل حاکمیت اراده‌ی طرفین نمی‌تواند ملاک قرار گیرد و قانون تکلیف را معین می‌کند. تصدّی امر دادرسی دارند پس، شکل گردیده و احاطه به بسیاری از علوم را لازم دارد. دیگر نمی‌تواند قاضی جزایی و حقوقی با یک تخصص در مقام قضا قرار بگیرد. قاضی حقوقی ایراد لازم است به حقوق مدنی مسلط باشد که محصول چهارده قرن تلاش و تعمق و کنجکاو و دقت فقه‌های امامیه و انطباق فروع بر اصول کلی است. در حالی که شناخت دقیق نسبت به مشخصات و توجه به انگیزه‌های ارتکاب جرم داشته باشد و علوم جزائی را، علاوه بر حقوق جزای اسلامی فرا گیرد. تجزیهات وسیع جوامع مختلف را نمی‌توان نادیده گرفت. تمدن کنونی جهان به هر دو قرن‌ها تلاش و کوشش همه‌ی انسان‌هایی است که با تفکر و اندیشه بنیست‌ها را شکسته و پیوسته راه حل جدید پیدا کرده‌اند. احتیاج امروز افراد به حقوق و دانستن قواعد و اصول آن بیش از گذشته محسوس است، چرا که هر قدر روابط اجتماعی گسترش یابد قواعد حقوقی دقیق‌تر و وسیع‌تر می‌شود. آدمی در جنبش و کوشش و حرکت به سمت کمال مطلوب از یک طرف با افکار و خواسته‌ها و تمایلات و سلیقه‌های گوناگونی روبرو است. هر کس خواهش‌ها و تمایلات خاص خود را دارد و از این رهگذر از افراد دیگر ممتاز می‌گردد از طرف دیگر پیوستگی و درآمیختگی فرد با اجتماع چنان است که گویی وجودش در پیکره‌ی اجتماع مستحیل گشته است.

دوگانگی حقیقت زندگی انسان (حفظ مصالح نظام اجتماعی و برقراری عدالت و تأمین آزادی دیگران) از یک سو، برآوردن نیازهای فردی و تأمین زندگی بهتر در جلب منافع بیشتر و سبقت‌جویی بر دیگران از سوی دیگر، این مشکل را در شکل سوال مطرح نموده که ...

چگونه باید این دو زندگی را سازش داد به نظر ما این رسالت بر نهادهای حقوق است. قواعد و اصول حقوقی منافع فرد و جامعه را با هم جمع می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد که در مرز خود قرار گیرند.

حقوقیات باجی و بررسی ماقبل تاریخ حاکی است حقوق مقدم در تأسیس دولت است. حقوق با پیدایش اجتماع وجود پیدا کرده و برای هر جامعه لازم و اساس شناخته شده و باید متکی به عدالت و انصاف باشد، باید توجه داشت که علم حقوق فقط تفسیر قانون نیست، چه بسیار قوانینی که ارزش عنوان قواعد قانونی را ندارد، عالم حقوق باید راه اصلاح قوانین نادرست را بنمایاند؛ حتی علم به قواعد زندگی در اجتماع و اداره‌ی اجتماع است.

تمام زمینه‌های تبعیض را در زوایای اجتماع با گسترش اصول حقوقی باید از میان برداشت، رفع تبعیض به آن نیست که تفاوت‌ها را از بین ببریم. در شرایط مساوی نباید برای افرادی امتیاز قائل شد، یا افرادی را به صورت استثنا در محرومیت نگه داشت. تحت مواردین حقوق باید برای همه‌ی افراد فرصت‌های مناسب ایجاد نمود و استعدادها را انکار را در جهت خلاقیت شکوفا ساخت.

تمام افراد در تمامی اجتماعات و در تمام سال‌های زندگی با حقوق پیوند دارند همه‌ی اعمال انسان‌ها تحت کنترل حقوق است. نظم جوامع و استمرار موجودیت اشخاص حقوقی (از اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی تا اشخاص حقوقی، حقوق عمومی) در پرتو حقوق می‌باشد، هر کجا

زندگی انسان‌ها وجود دارد حقوق هم هست. هیچ نقطه‌ای در دنیا سراغ نداریم که به دور از قواعد حقوق باشد. بسیاری از مردم با اینکه هر روز ده‌ها عمل حقوقی انجام می‌دهند و در غالب آنها موازین را رعایت می‌نمایند ولی شناسایی از حقوق ندارند و نگرانی وقتی عمیق است که افرادی با داشتن مسؤولیت‌های سنگینی از کلیات حقوق بی‌اطلاع‌اند و گاهی آنها به همین دلیل صدمات جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌آورند. سخن در این مقوله و ارائه‌ی نمونه به حدی وسیع است که خود نیاز به یک مجموعه مستقل دارد.

نظریات علمای دین و نویسندگان را در طول تاریخ در مورد حقوق بازباییم و مدّتی را که در این راستا شکل گرفته و عقاید و افکاری که ابراز داشتند توجه نمی‌کنیم زیرا لا به لای انبوهی تفکرات مذهبی، اخلاقی، فلسفی، تاریخی و اجتماعی قواعد حقوق را معرفی کنیم. تسلط بر حقوق می‌تواند افراد را در عین برتری و دوراندیشی و قدرت تفکر عمیق‌تر، با انضباط بار آورد تا حدّی که زمام‌زن را در اختیار گیرند و از بیهوده‌کاری بپرهیزند و در رسیدن به مقاصد مدنّی‌ها فاصله کوتاه‌تر را بییمایند و از نیرو و توان خود بیش‌ترین بهره‌برداری را برده و اجتماع را آن‌طور که واقعیت دارد ببینند و رعایت حقوق دیگران را در مانع و اجازه تعدّی به حقوق خود را به دیگری ندهند. راه‌یابی افراد به دنیای حقوق باعث استقرار امنیت توأم با عدالت می‌گردد، اجتماع را در حال تعادل حفظ می‌کند آسایش و آرامش و زندگی مطلوب را برای همه فراهم می‌سازد. زیرا حقوق متکی به فطرت و طبیعت انسان‌هاست ریشه در تعالیم و احکام دین و مذهب و اخلاق دارد و با موازین عدالت و انصاف سازگار است. حفظ حدّ و مرزهایی است که فضایل و کرامت‌ها و آزادی‌ها را مستحکم می‌سازد.

نظام حیرت‌زای آفرینش، نظم اعجاب‌انگیز طبیعت و گردش بی‌وقفه و مرتب و تنظیم یافته شب و روز، مبتنی بر قوانین الهی و قواعد طبیعی است. ساختار وجودی و فعل و انفعالات اعضا و اندام نباتات و جانوران و حیوانات و فی‌الجمله حیوان ناطق و عاقل، یعنی انسان هم استوار بر چنان قوانینی است. و اگر به نحوی از آن قواعد و قوانین عدول و انحراف صورت گیرد بر حسب مورد با واکنش مقتضی مواجه خواهیم بود.

جامعه‌ی بشری و اجتماعات انسانی نیز، برای حسن جریان حیات و روابط اجتماعی خود، نیازمند قانون می‌باشند و محتاج قاعده و ضابطه..... فرد بشر با توجه به طبیعت انسانی و ساختار جسمی و روانی و عاطفی خود، دارای دیدگاه‌های زیبا و زشت و تمنیات خوب و بد، رفتارها و گفتارهای پسندیده و ناپسندیده می‌باشد. و ازسویی آمال ممدوح الهی و انسانی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر امیال مذموم شیطانی را....

ضمن اینکه افراد انسان، که با هم حکم فطرت و چه بر مبنای نوع دوستی و چه بر اساس نیاز و تعاون، به هم حال، موجوداتی اجتماعی و مدنی می‌باشند و در اجتماع هم‌نوعان با هم خویش می‌زیند و رشد و نمو می‌کنند و به حیات خود ادامه می‌دهند. از جانبی بر اساس قانون تفاوت‌های فردی، از هم تمایز و دارای تمنیات و مصالح و منافع متفاوت از همدیگر هستند و از جانبی دیگر بر مبنای حس سیانت ذات هر کدام مصالح و منافع خود را مقدم بر مصالح و منافع دیگران قرار می‌دهند و کم‌تر مواردی یافت می‌شود که از مصالح و منافع خویش به سود دیگری یا دیگران به آسانی بگذرند. در نتیجه، در عرصه‌ی زندگانی اجتماعی، با همدیگر اصطکاک و تصادم پیدا می‌کنند....

تاریخ حیات انسان و از جمله تاریخ حقوقی جنایی، گویای این واقعیت است که انسان‌ها در جریان تصادم و اصطکاک، به خصومت و نزاع

گراییده و به کشتار همدیگر و به انتقام و انتقام‌کشی، می‌پرداختند و این تسلسل تا بدانجا تداوم می‌یافت که یا یکی از طرفین نزاع از بین می‌رفت و یا کلاً تسلیم و در طرف دیگر استحاله می‌شد، که این خود موجب اضمحلال جامعه می‌گردید و با توجه به هدف و فلسفه‌ی تشکیل زندگانی اجتماعی، نقض غرض بود. بنابراین، بشر عاقل و اندیشمند از همان زمان‌های دور به این حقیقت پی برد که باید ضوابط و قواعدی را حاکم بر رفتارها و روابط اجتماعی خود قرار دهد تا با رعایت این قواعد و ضوابط، هم دامن‌های اختلافات محدود گردد، و هم اختلافات حادث، بر آن اساس فیصله یابد و از تسلل سرنریزی و انتقام و انتقام‌کشی و فنای همدیگر اجتناب نمایند و بدینسان امنیت برای خود فراهم آورند و در لوای آن به تبعیت از قانون استکمال به زندگانی خویش، رونق بخشند و سیر ترقی و تعالی و تکامل را پیمایند، که چنین هم کردند...

اگر این قواعد و ضوابط در ابتدای تاریخ عرفی بود، بعدها با پیدایش دولت‌ها و تأسیس مراجع قانون‌گذاری و فی‌الجمله پارلمان‌ها، جای خود را به مقررات مدون و مصوب داد، ضمن اینکه این مقررات مدون هم زیاد دور از مقررات عرفی جامعه نمی‌باشد.

از آنچه که گفته شد نتیجه می‌گیریم: وجود قوانین چه در مفهوم عام و چه در مفهوم خاص آن، برای بقا و نیز برای حسن جریان زندگانی اجتماعی انسان‌ها نه لازم که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است تا با آن به وصال نظم و امنیت برسیم و ملاً به عدالت اجتماعی دست یابیم که البته در اینجا مراد از قانون، قانون عادلانه خوب، گویا، قاطع و مبتنی بر ارزش‌های دینی و اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و انتظارات موجه و مشروع عمومی است، وگرنه به قول سیسرون می‌توان خواست‌های نامطلوب را هم در قالب قانون در آورد و اجرای آن را به

عنوان امر قانون خواستار شد.

حاصل و خلاصه‌ی سخن آنکه همان‌گونه که اشاره شد، برای استقرار نظم و امنیت در جامعه، در کنار قواعد و موازین دینی و اخلاقی، وجود قواعد حقوقی و مقررات قانونی عالمانه عادلانه ضروری است تا در پرتو این مجموعه، زمینه‌ی دستیابی به عدالت اجتماعی فراهم آید.

اما در همین جا باید متذکر شد که صرف وجود قانون، ولو قانون کاملاً خوب و مبتنی بر مطالعه و تحقیق و دقت نظر، کافی به مقصود نیست، بلکه ایجاب و تقاضای نشر زمینه‌ی فرهنگ اطاعت از قانون از سویی و تبلیغ و ابلاغ آن از سوی دیگر، صرف‌نظر از بحث درباره‌ی اصل «قبیح عقاب بلایان» و یا نهوری «جهان به قانون رافع مسؤولیت نیست»، برای آگاهی و اطلاع از قانون، در سبب و اثر و آگاهی از مفاد و محتوای آن است. بر این اساس، باید مفاد و متن قانون، هر چه بیشتر، در دسترس اقشار جامعه قرار گیرد و از آنجا که نشر و انتشار قانون در روزنامه‌ی رسمی، اگر چه از لحاظ سیر تصویب و انتشار قانون، لازم‌الاجرا شدن آن ضرورت دارد، ولی پاسخ‌گوی و کافی به مقصود نمی‌باشد، بنابراین، بر اهل فن فرض است که در این راه بکوشند و در جهت آشنایی هم‌میهنان خود بذل همت کنند. اگر چه کاری است دشوار و رایج نیست دراز، ولی امری است لازم‌الاجرا.

سید حسن مؤدب و جباروند

تأیستان ۱۳۹۵